

# بخش یکم

امویان ( مروانیان )

## خلافت مروانیان

### مقدمه

در کتاب تاریخ اسلام (۱) با زمینه‌ها و شرایطی که حاکمیت بنی‌امیه فراهم کرد آشنا شدید. خواندید که با روی کار آمدن معاویه، اصول اخلاقی و دستورات دینی یکی پس از دیگری پایمال شد. از جمله پیامدهای حکومت معاویه، جانشینی یزید بود؛ کسی که در طول چهار سال حکومتش، جنایات بزرگی را مرتکب شد که بدترین آن‌ها، به شهادت رساندن امام حسین علیه السلام بود. اندکی پس از مرگ یزید، حکومت، به دست شاخه دیگری از خاندان اموی، یعنی **مروانیان** افتاد. حکومت مروانیان همراه با ظلم و ستم‌های فراوانی همچون مسلط کردن فردی سنگدل به نام **حجاج بن یوسف** بر مردم عراق بود. در این درس بر فراز و نشیب‌های عصر مروانیان گذری کوتاه خواهیم داشت.

### جنگ قدرت و حاکمیت مروانیان

کرد و از ایشان بیزاری جست. با کناره‌گیری معاویه بن یزید، «مروان بن حکم» با غلبه بر مخالفان، حکومت را به دست گرفت<sup>۱</sup>. وی یکی از بزرگترین دشمنان خاندان رسالت بود. او در دوره خلافت عثمان، نقش مهمی در مشکلات پدید آمده، داشت که در نهایت به قتل عثمان منجر شد. مروان از جنگ افروزان واقعه جمل در کنار عایشه و بر ضد امیرمؤمنان علی علیه السلام بود و سرانجام اسیر شد. هنگامی که بعضی از یاران امام علی علیه السلام، از آن حضرت خواستند که پس از گرفتن

یزید پس از دوره کوتاه حکومتش، در سال ۶۴ ق به هلاکت رسید. با مرگ یزید، فرزندش - معاویه دوم - به حکومت دست یافت. وی که برخلاف پدر و جدش، حکومت را حق اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌دانست، پس از مدت کوتاهی از آغاز خلافتش، در جمع مردم شام، کناره‌گیری خود از خلافت را اعلام کرد و ضمن بیان برتری اهل بیت در تصدی خلافت، برخی از کردارهای ننگین جد و پدرش را برشمرد، آنان را لعن

۱- حکومت اموی را به دو شاخه سفیانی و مروانی تقسیم کرده‌اند. شاخه سفیانی شامل حکومت معاویه، یزید و معاویه بن یزید است که از نسل

ابوسفیان بودند؛ و شاخه مروانی از حکومت مروان بن حکم آغاز و با حاکمیت فرزندان او ادامه یافت.

بیعت از مروان، وی را آزاد کند، آن حضرت، مروان را در پیمان شکنی به یهودیان تشبیه کرد و از حکومت کوتاه او و نیز حکومت چهار فرزندش و جنایات خونین آنان خبر داد.<sup>۱</sup>

مروان در دوره حکومت معاویه، نقش مشورتی و اجرایی برای او داشت و یکی از کسانی بود که دستور

معاویه مبنی بر لعن امام علی علیه السلام بر روی منبرها را با اصرار اجرا می کرد. دوره حکومت او حدود نه ماه طول کشید. از آن جا که وی، فرزندش - عبدالملک - را به عنوان جانشین تعیین کرده بود، پس از مرگش،<sup>۲</sup> خلافت به او رسید.

### جدول خلفای اموی

ردیف	نام خلیفه	رویدادهای مهم
۱	الف - سفیان بن (۶۴ - ۴۱ ق) معاویه بن ابوسفیان (۶۰ - ۴۱ ق)	تشکیل سلسله امویان - موروثی کردن خلافت
۲	یزید بن معاویه (یزید اول) (۶۴ - ۶۰ ق)	واقعه کربلا و شهادت امام حسین <small>علیه السلام</small> - به آتش کشیدن کعبه - شورش عبدالله بن زبیر
۳	معاویه بن یزید (معاویه دوم) (۶۴ ق)	قیام تواین
۴	ب - مروان بن مروان (۶۴ - ۱۳۲ ق)	قیام مختار ثقفی - برقراری حکومت ظالم حجاج بن یوسف ثقفی در عراق و تعقیب و آزار شیعیان
۵	مروان بن حکم (مروان اول) (۶۴ - ۶۵ ق) عبدالملک بن مروان (۸۶ - ۶۵ ق)	گسترش فتوحات اسلامی از سند تا اسپانیا و شمال آفریقا
۶	ولید بن عبدالملک (ولید اول) (۹۶ - ۸۶ ق)	توقف فتوحات - ممنوع کردن اهانت به علی <small>علیه السلام</small>
۷	سلیمان بن عبدالملک (۹۹ - ۹۶ ق)	بروز نزاع اعراب عدنانی و قحطانی و شورش یزید بن مهلب - آغاز دعوت عباسیان
۸	عمر بن عبدالعزیز (۱۰۱ - ۹۹ ق)	گسترش اسلام به ترکستان و مرزهای چین - قیام یزید بن علی بن حسین <small>علیه السلام</small>
۹	یزید بن عبدالملک (یزید دوم) (۱۰۵ - ۱۰۱ ق)	قیام یحیی بن زید - شورش یزید سوم
۱۰	هشام بن عبدالملک (۱۲۵ - ۱۰۵ ق)	شورش مروان بن محمد
۱۱	ولید بن یزید (ولید دوم) (۱۲۶ - ۱۲۵ ق)	قیام ابومسلم
۱۲	یزید بن ولید (یزید سوم) (۱۲۶ ق)	
۱۳	ابراهیم بن ولید (۱۲۷ - ۱۲۶ ق)	
۱۴	مروان بن محمد (مروان دوم) (۱۳۲ - ۱۲۷ ق)	

**عبدالملک و تحکیم حکومت اموی**

عبدالملک در سال ۶۵ ق به حکومت دست یافت و تا سال ۸۶ ق عهده دار حکومت خلافت بود. بدین ترتیب، وی دوره ای طولانی - قریب به ۲۱ سال - حکومت اموی را در دست داشت.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۷۳.

۲- گفته شده که مروان پس از مرگ یزید بن معاویه، با فاخته - همسر یزید - ازدواج کرد و با وجود آنکه قول داده بود خالد - فرزند یزید - را ولیعهد

کند، اما ولیعهدی فرزند خودش - عبدالملک - را اعلام کرد از این رو، با توطئه فاخته، به قتل رسید!

دوره حاکمیت او، همراه با حوادث گوناگون بود. وی تلاش کرد در برابر این حوادث، به گونه‌ای عمل کند که بقای حاکمیت بنی‌امیه تضمین شود.

### مخالفان حکومت مروانیان

**الف – توابین و مختار:** در آغاز حکومت عبدالملک، قیام توابین رخ داد. سپس به فاصله‌ای اندک، مختار قیام کرد. سپاه اعزامی توسط عبدالملک، از مختار شکست خورد، اما مختار با دشمنی دیگر – یعنی عبدالله بن زبیر – مواجه بود و سرانجام، سپاه اعزامی توسط عبدالله بن زبیر، به فرماندهی برادرش – مصعب بن زبیر – بر مختار پیروز شد و مختار به دست مُصعب به شهادت رسید.



سکه‌های اموی



آرامگاه مختار در کوفه

امام حسین علیه السلام و به دنبال آن، مرگ یزید، در سال ۶۴ ق موجب شد ابن‌زبیر رقیبی برای خلافت نیابد. بدین جهت، در مکه ادعای خلافت کرد. حکومت او تا سال ۷۳ ق به طول انجامید. در این سال، «حجاج بن یوسف ثقفی» از سوی عبدالملک بن مروان مأمور سرکوب ابن‌زبیر شد. وی با محاصره چند ماهه مکه و حتی به منجنیق بستن و ویران کردن خانه کعبه، بر ابن‌زبیر دست یافت و او را کشت و بدنش را واژگونه به مدت یک سال بردار آویخت. برادرش - مصعب بن‌زبیر - نیز در سال ۷۲ ق در عراق کشته شد.

**ب - عبدالله بن‌زبیر :** عبدالله بن‌زبیر نیز به عنوان فرزند یکی از صحابه معروف رسول خدا صلی الله علیه و آله، مورد توجه دستگاه اموی بود تا مبادا ادعای خلافت و حکومت نماید؛ بدین جهت، معاویه تأکید داشت که از او نیز برای ولیعهدی یزید، بیعت بگیرد. پس از مرگ معاویه، ابن‌زبیر به مکه رفت. از آن‌جا که بودن امام حسین علیه السلام در مکه، مجالی برای مطرح شدن او فراهم نمی‌ساخت، قلباً آرزو داشت که امام حسین علیه السلام از مکه بیرون رود. با خروج امام حسین علیه السلام از مکه و عزیمت به سوی عراق، عرصه برای فعالیت ابن‌زبیر فراهم گشت. شهادت

## یک توضیح

### شخصیت عبدالله بن‌زبیر

پدرش زبیر (پسر صفیه، عمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و مادرش اسماء دختر ابی‌بکر) بود. عبدالله در جنگ جمل، نقش مهمی در تحریک دیگران (حتی پدرش) برای جنگیدن با امیر مؤمنان علی علیه السلام داشت. وی هر چند به ظاهر، نسبت به خروج امام حسین علیه السلام از مکه ابراز ناراحتی می‌کرد، اما در درون، خوشحال بود؛ زیرا امام حسین علیه السلام را رقیب خود می‌دانست. پس از تسلط بر مکه، در مناسبت‌های گوناگون، بغض و دشمنی خود نسبت به اهل بیت پیامبر را ابراز کرد؛ از جمله آنکه برای اخذ بیعت از بنی‌هاشم آن‌ها را حبس کرد و تصمیم گرفت به آتش بسوزاند؛ و مستند او برای این کار، رفتار خلیفه دوم مقابل خانه حضرت فاطمه سلام الله علیها و تهدید به آتش زدن خانه، به خاطر اخذ بیعت برای ابوبکر بود. ابن‌زبیر خودش درباره دشمنی‌اش با اهل بیت، به ابن‌عباس می‌گفت: من چهل سال است دشمنی اهل بیت را در دل خود دارم.

عبدالرحمان بن محمد بن اشعث سر به شورش برداشت، اما عبدالملک توانست به وسیله عامل سقاک و خونریزی خود در عراق - یعنی حجاج بن یوسف ثقفی - بر تمامی این شورش‌ها غلبه کند.

**ج - خوارج و عبدالرحمان بن اشعث :** خوارج نیز از دیگر گروه‌های درگیر با حاکمیت اموی بودند که در دوره خلافت مروانیان - به ویژه دهه‌های ۶۰ و ۷۰ ق - شورش‌های زیادی به راه انداختند. همچنین در سال ۸۱ ق،

### شورش عبدالرحمان بن محمد بن اشعث بن قیس

وی، نواده اشعث بن قیس بود؛ همان کسی است که متهم به مشارکت در قتل امام علی علیه السلام بود. دختر اشعث - یعنی جعدة - نیز در شهادت امام حسن علیه السلام نقش داشت. پسر اشعث - یعنی محمد - نیز در شهادت امام حسین علیه السلام سهیم بود. اما عبدالرحمان که برای فتوحات در سال ۸۰ ق به سیستان رفته بود، به علت اصرار بی جای حجاج بن یوسف در استمرار جنگ و نیز اخذ مالیات از تازه مسلمانان، به همراه سپاهی به سوی عراق بازگشت. وی پس از همراه کردن معترضانی از بصره و کوفه، رو به سوی شام نهاد، ولی در سال ۸۳ ق در محل «دیر الجماجم» شکست خورد و کشته شد. پس از این شکست، تعداد زیادی از اسیران دیرالجماجم به دست حجاج بن یوسف کشته شدند. گفتنی است به علت ضد اموی بودن این قیام، تعدادی از فقها و شیعیان نیز در آن شرکت داشتند.

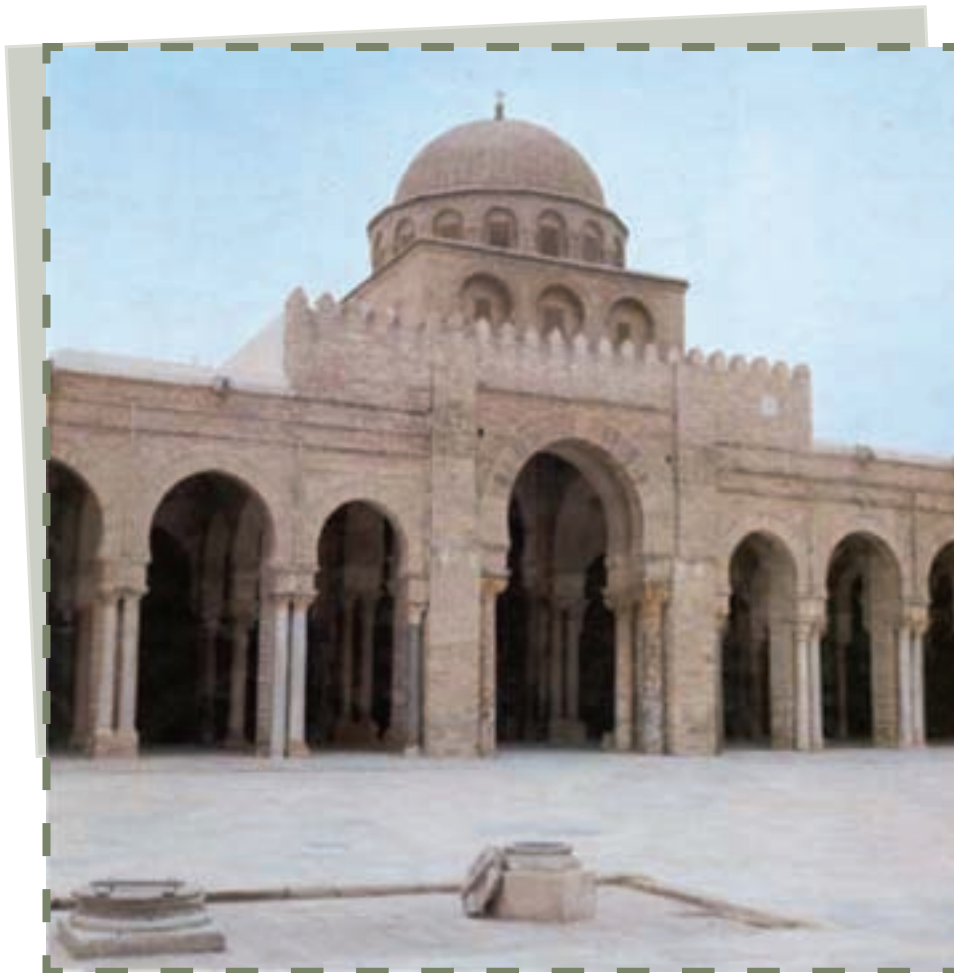
## ادامه فتوحات

بود. البته نمی توان منکر حضور مسلمانانی که واقعاً به قصد نشر اسلام در فتوحات شرکت کردند، بود. فتوحات در دوره معاویه در قلمرو شرقی، از محدوده رود سند تا حدود ماوراءالنهر در جریان بود، ولی پیشرفت چندانی نداشت. در جبهه غرب، معاویه با روم درگیر بود. وی هرچند توانست جزیره قبرس و برخی جزایر دیگر را فتح کند، اما در فتح قسطنطنیه موفق نشد، و به صلحی تحمیلی با رومیان تن داد. در جبهه شمال آفریقا معاویه تلاش کرد فتوحاتی را که پیش از این، در عصر عمر و عثمان انجام گرفته بود، ادامه دهد.

در دوره حاکمیت یزید و پس از او - تا پایان فتنه عبدالله بن زبیر در سال ۷۳ ق - فتوحات تقریباً متوقف بود؛ ولی با آغاز سیطره عبدالملک بن مروان بر مناطق مختلف و غلبه او بر معارضان، فتوحات از سر گرفته شد. در این فتوحات، مناطق شمال آفریقا شامل بَرّقه، لیبی، تونس، الجزایر و مراکش به تصرف مسلمانان درآمد.

چنان که می دانیم، دعوت اسلام جهانی است و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر این اساس، رؤسا و مردم نواحی مختلف آن عصر را به این دین دعوت کرد. اساس این حرکت بر مبنای معرفی اسلام و جاذبه های آن استوار بود، اما انحراف مسیر جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله امکان بهره مندی مردم جهان از فتوحات مورد نظر آن حضرت را سلب کرد؛ با این وجود، حضور مسلمانان مخلصی در جریان فتوحات پس از پیامبر، تا حدود زیادی زمینه های آشنایی مردم جهان با دعوت اسلامی را فراهم کرد. حضرت علی علیه السلام در دوره کوتاه خلافت خود به جنگ های داخلی مشغول بود. این موضوع فرصت انجام فتوحات را از آن حضرت گرفت.

از دوره معاویه به بعد، حاکمیت اموی به فتوحات روی آورد. اهداف اصلی آنان از این عملیات، توسعه قلمرو حکومتی و نیز بهره مندی از غنایم، خراج و مالیات

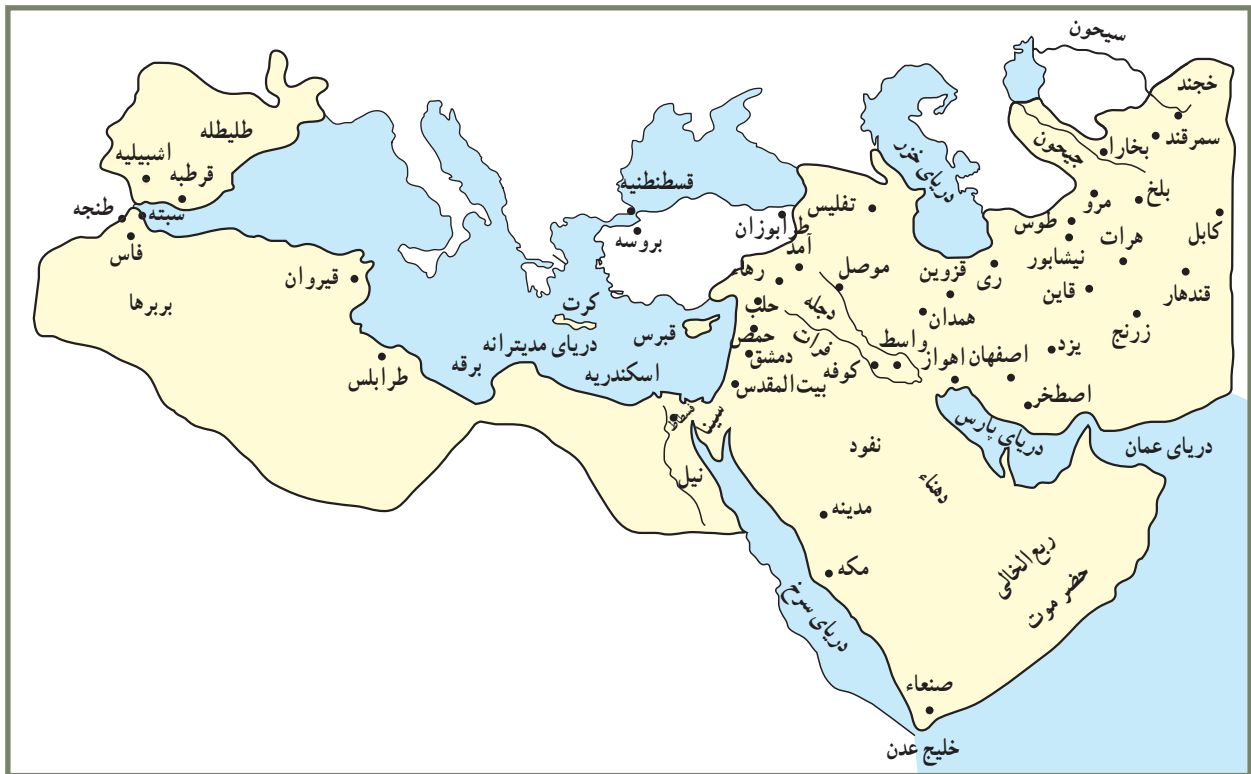


مسجد قیروان تونس

نقش اصلی را یکی از سردارانِ بَرَبَرِ او به نام «طارق بن زیاد» برعهده داشت. وی توانست از منتهی‌الیه شمال آفریقا، پا به سرزمین اندلس گذارد و برای اولین بار، مسلمانان را به این سرزمین بَرَد. هر چند تزلزل حاکمیت اموی در قرن دوم و نیز انگیزه و اهدافِ صرفِ دنیوی آنان از فتوحات، موجب شد امکان ادامهٔ فتوحات به سوی دیگر مناطق اروپایی فراهم نیاید.

اما فتوحات در شرق، در دو ناحیهٔ سیستان و ماوراءالنهر انجام گرفت و تا اواخر قرن اوّل، مسلمانان شهرهایی همچون فرغانه در مرز چین، و مولتان در هند را تصرف کرده بودند.

اما در جبههٔ غربی، ادامهٔ فتوحاتِ شمال آفریقا، سرانجام به فتح اَنْدُلُس (اسپانیا) در سال ۹۲ ق انجامید. فرماندهی این حرکت را موسی بن نُصَیْر عهده‌دار بود، اما



قلمرو مسلمانان در دورهٔ بنی‌امیه

## فکر کنید و پاسخ دهید

با توجه به آنچه تاکنون آموخته‌اید، فکر می‌کنید اگر حاکمیت اسلامی در دست امامان معصوم بود، وضعیت فتوحات چگونه پیش می‌رفت؟

### اصلاحات عمر بن عبدالعزیز

فردی پُر خور و شیک‌پوش بود. دورهٔ حکومتش کوتاه بود و تا سال ۹۹ ق ادامه یافت. با مرگ سلیمان، خلافت اموی به دست «عمر بن عبدالعزیز» افتاد. هرچند، دورهٔ خلافت او بسیار کوتاه و تنها تا سال ۱۰۱ ق ادامه داشت، اما نوع عملکرد او موجب شده است تا در میان حاکمان اموی به

با مرگ عبدالملک بن مروان در سال ۸۶ ق فرزندش «ولید» - به حکومت رسید. وی خلیفه‌ای ظالم بود که تا سال ۹۶ ق حکومت کرد. امام سجاد علیه السلام در اواخر حکومت او به شهادت رسید.<sup>۱</sup> پس از ولید، برادرش سلیمان بن عبدالملک - به حکومت دست یافت. وی

۱- شهادت امام سجاد علیه السلام در سال ۹۴ یا ۹۵ ق رخ داد.





مسجد اموی - دمشق

- عنوان بهترین چهره شناخته شود و لقب «نَجیب بنی امیه»  
 درباره‌اش به کار رود. او پیش از خلافت، مدتی حاکم  
 مدینه بود؛ از این رو، با علمای فقه و حدیث آمد و شد  
 داشت. عمر بن عبدالعزیز سعی کرد وضعیت مناسبی در  
 جامعه ایجاد کند و حکومت خویش را بر پایه فشار و  
 استبداد بنا نکند. مهم‌ترین اقدامات او بدین قرار است:
- ۱- رعایت احکام و سنن دینی که رفته‌رفته فراموش  
 شده بود.
  - ۲- برخورد با ظلم و اجحاف به مردم.
  - ۳- حفظ حرمت شخصیت‌های محبوب جامعه؛
- از جمله امام باقر علیه السلام که بنا بر روایتی آن حضرت را مورد  
 احترام قرار می‌داد.
- ۴- صدور دستور جمع‌آوری و تدوین احادیث نبوی  
صلی الله علیه و آله که از دوره خلیفه دوم - عمر بن خطاب<sup>۱</sup> - ممنوع شده  
 بود.
  - ۵- منع لعن امیرمؤمنان علی علیه السلام بر منابر و در  
 خطبه‌ها؛ سنت زشت و ناپسندی که معاویه آن را رواج  
 داده بود؛ عمر بن عبدالعزیز خود، از امام علی علیه السلام به  
 نیکی یاد می‌کرد و می‌گفت: «زاهدترین مردم نسبت به  
 دنیا، علی بود.»

۱- وی، جد مادری عمر بن عبدالعزیز به شمار می‌آمد؛ زیرا مادر عمر بن عبدالعزیز، دختر عاصم بن عمر بن خطاب بود.

عَلَوِيان در دوره خلفای پیشین اموی به حدی بود که گاه بعضی از آنها از گرسنگی روبه مرگ بودند و تمام همت آنها تهیه مخارج یک روزه بود!

پرسش مهمی که درباره رفتارهای عمر بن عبدالعزیز، همواره به ذهن تداعی می‌شود، انگیزه واقعی او از این کارهاست. در این باره باید گفت که هرچند وی نسبت به دیگر خلفای اموی از ذات و خصلت‌های نیکوتری برخوردار بود، اما نباید فراموش کرد که او با وجود شخصیتی همچون امام باقر علیه السلام، عهده‌دار خلافت شده بود و رفتارهای معتدلانه او، پس از ظلم‌های خلفای پیشین، می‌توانست چهره مطلوب‌تری از بنی‌امیه بر جای نهاده و بقای حکومتشان را تضمین کند!

۶- آشکار کردن نامه‌هایی از امام علی علیه السلام برای مردم که در خزائن شام بود.

۷- بازگرداندن فدک به فاطمیان، و این در حالی بود که ابوبکر پس از نیل به خلافت، فدک را از فاطمه سلام‌الله‌علیها گرفت و بدین لحاظ فاطمه سلام‌الله‌علیها تا آخر عمر از او ناراضی بود. این رفتار عمر بن عبدالعزیز، دلیل آشکاری بود بر نادرستی رفتار خلیفه اول و خلفای پس از او!

۸- نیکی در حق اولاد حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها؛ بدین لحاظ، وی به والی خویش در مدینه دستور داد تا ده هزار دینار میان اولاد علی بن ابی‌طالب علیه السلام تقسیم کند. این دستور در حالی بود که سخت‌گیری‌های مالی بر

## فکر کنید و پاسخ دهید

تحلیل شما از رفتارهای اصلاحی عمر بن عبدالعزیز چیست؟

### انحطاط و سقوط بنی‌امیه

و بخل و تندخویی معروف بود. در دوره حاکمیتش، امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام را به دمشق احضار کرده و مورد اهانت قرار داد. همچنین نحوه عملکرد او باعث قیام زید بن علی بن حسین علیه السلام در سال ۱۲۲ ق شد. پس از هشام بن عبدالملک، دولت اموی چندان دوام نیاورد<sup>۲</sup> و بنی‌عباس که از سال‌ها قبل، به طور مخفی، فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی خود را آغاز کرده

دوره اصلاحات عمر بن عبدالعزیز دوام چندانی نیاورد. با مرگ او در سال ۱۰۱ ق «یزید بن عبدالملک» به خلافت رسید و تا سال ۱۰۵ ق بر سر کار بود. پس از او، برادرش «هشام بن عبدالملک» حکومت را در دست گرفت و تا ۱۲۵ ق (حدود بیست سال) عهده‌دار این مقام بود. وی یکی از سفاک‌ترین حاکمان اموی، و به حرص

۱- فدک، سرزمینی بود که پس از جنگ خیبر، به واسطه صلح میان رسول خدا صلی الله علیه و آله و یهودیان ساکن فدک، در اختیار آن حضرت قرار گرفت و به امر خداوند و در قبال ایثارهای مالی خدیجه سلام‌الله‌علیها، به فاطمه سلام‌الله‌علیها بخشیده شد.

۲- دولت بنی‌امیه پس از هشام بن عبدالملک تنها هفت سال دوام آورد و از نشانه‌های تزلزل آن، جابه‌جایی چهار خلیفه در طول این مدت است که عبارت‌اند از: ۱- ولید بن یزید بن عبدالملک (ولید دوم) که معروف به عیاشی و بی‌بندوباری بود، ۲- یزید بن ولید بن عبدالملک (یزید ناقص)؛ ۳- ابراهیم بن ولید بن عبدالملک؛ ۴- مروان بن محمد که به علت جان‌سختی‌اش در جنگ‌ها، به «مروان حمار» معروف شده است.



دروازه کاخ هشام بن عبدالملک در شهر رقه بر ساحل فرات

بیت المال در خوشگذرانی‌ها و عیاشی‌ها.

### جریان‌های فکری در عصر اموی

دین اسلام، حقیقت واحدی دارد و انسان مسلمان، در عقیده و رفتار مکلف به پیروی از این حقیقت متعالی است. پیام اصلی پیامبران - از جمله رسول خدا ﷺ - نیز چیزی جز فرا خواندن بشر به دین حق نیست. رسول خدا ﷺ با تأکیدات بسیار، راه دستیابی به این حقیقت را قرآن و اهل بیت خود معرفی کرد. اما پس از رحلت آن حضرت، کسانی، مسیر حرکت امت اسلامی را از خط اهل بیت علیهم السلام جدا کردند و اولین انحراف را پدید آوردند. از آن به بعد، روز به روز بردامنه انحرافات و تنوع گروه‌های فکری افزوده شد. روشن است که در میان همه این گروه‌ها - چنان که گفته شد - تنها یک فرقه و گروه در مسیر حق قرار داشته و دارد و آن گروه، جز پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام نیست.

بودند توانستند در سال ۱۳۲ ق، آخرین خلیفه اموی، یعنی «مروان بن محمد بن مروان بن حکم» را به قتل رسانند و دولت عباسی را در عراق پایه‌ریزی کنند.

مهم‌ترین عوامل زوال و انحطاط دولت اموی بدین قرار است:

- ۱- حاکمیت ظلم و جور و استبداد و بی‌عدالتی، و انجام جنایاتی همچون حادثه کربلا و حرّه واقم.
- ۲- هتک حرمت مقدّسات دینی و انجام رفتارهای شنیعی همچون حمله به کعبه و مسجد نبوی ﷺ.
- ۳- ترویج روحیات نژادپرستانه و ترجیح دادن عرب‌ها - به ویژه بنی‌امیه - بر دیگران.
- ۴- جلوگیری و منع از امر به معروف و نهی از منکر، و برخورد با آمران به معروف و ناهیان از منکر.
- ۵- ترویج بدعت‌های دینی و اجیر کردن عالمان درباری به منظور جعل احادیث.
- ۶- تجمل‌پرستی و دنیاطلبی و مصرف کردن

**الف - شیعیان :** در دوره حاکمیت اموی، «شیعیان» به عنوان یکی از جریان‌های فکری و سیاسی جدی جامعه مطرح بوده و نقش آفرینی می‌کردند؛ و بدین لحاظ، همواره تحت تعقیب و فشار بودند. در اواخر دوره اموی و پس از قیام زید بن علی بن حسین علیه السلام در سال ۱۲۲ ق یکی از فرقه‌های منشعب از شیعه به نام «زیدیه» شکل گرفت. آن‌ها معتقد بودند هر فردی از نسل فاطمه سلام الله علیها و علی علیه السلام که عادل و قیام کننده با سلاح باشد، صلاحیت امامت دارد.<sup>۱</sup>

**ب - عثمانی‌ها :** اما در میان جریان‌های فکری غیر شیعی، شاید بتوان قدیمی‌ترین را جریان «عثمانی» دانست که پس از جنگ جمل در بصره پدید آمد. این جریان با اعتقاد به مظلومیت عثمان، امام علی علیه السلام را در قتل او سهیم دانسته و امامت آن حضرت را نفی کرده، و با او دشمنی می‌ورزیدند. پس از آن، می‌توان به «خوارج» اشاره کرد که در جنگ صفین پدیدار شدند و به عنوان یک جریان فکری و سیاسی فعال، همواره در تقابل با حاکمیت اموی بودند؛ ضمن اینکه با اهل بیت علیهم السلام و شیعیان‌شان نیز دشمنی می‌ورزیدند.<sup>۲</sup>

**ج - مُرجئه :** «مرجئه»، دیگر جریان فکری عصر اموی است. از آن‌جا که در حوادث پس از رحلت

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، همچون حادثه جنگ جمل و صفین، درگیری میان دو گروه از اصحاب آن حضرت رخ داد، در میان توده اهل سنت، این اعتقاد رواج یافت که ما نسبت به ایمان و کفر و حق یا ناحق بودن افراد قضاوت و داوری نمی‌کنیم و آن را تا روز قیامت به تأخیر می‌اندازیم تا خداوند درباره پاداش و کیفر آنان داوری فرماید و گاهی می‌گفتند: گذشتگان هرچند خطا کردند، اما امید به بخشش آن‌ها داریم. به کسانی که پیرو چنین دیدگاهی بودند «مرجئه» می‌گفتند<sup>۳</sup> و طبیعی بود که دولت اموی از چنین دیدگاهی طرفداری کند.

**د - جبریه و قدریه :** در دوره حاکمیت اموی، مسئله «جبر و اختیار» و اینکه انسان‌ها در کارهای خود دارای اراده و اختیارند و یا آنکه از سرنوشتی محتوم پیروی می‌کنند، به عنوان یکی از مسائل مهم در بین مردم مطرح بود. حکومت اموی با ترویج عقیده جبر، تلاش می‌کرد تمامی جنایات و خطاهای خود را به حساب سرنوشت و تقدیر الهی بگذارد؛ در مقابل آنان، کسانی پیدا شدند که انسان‌ها را در کارهایشان، کاملاً مختار و دارای اراده می‌دانستند. پیروان عقیده جبر، به «جبریه» و پیروان عقیده اختیار، به «قدریه» معروف شدند.<sup>۴</sup>

۱- شایان ذکر است که خود زید بن علی بن حسین علیه السلام معتقد به همان عقاید شیعه امامیه بود و پیروانش پس از او، به بی‌راهه رفتند. پیروان مذهب زیدیه هم‌اکنون نیز در یمن و برخی مناطق دیگر حضور دارند.

۲- گفتنی است همان‌گونه که امام علی علیه السلام پیش‌بینی کرده بود، خوارج از بین نرفتند و هنوز هم باقی هستند.

۳- واژه «مرجئه» از ریشه ارجاء است و به دو معنا آمده: ۱- به تأخیر انداختن، ۲- امید بخشیدن.

۴- گفتنی است امامان شیعه، در برابر این دو گروه، راه اعتدال را معرفی کرده و می‌فرمودند: «لا جبر ولا تفویض، بل امر بین الامرین»؛ «نه جبر و

نه اختیار، بلکه چیزی بین آن دو».

## حجاج بن یوسف ثقفی

یکی از بزرگ‌ترین جنایات عبدالملک بن مروان، مسلط کردن فردی سفاک و بی‌رحم همچون «حجاج بن یوسف ثقفی» به عنوان حاکم عراق بود. حرص و رغبت حجاج به آدم‌کشی و جنایت سبب شد نام وی در ردیف بزرگ‌ترین جنایت‌کاران تاریخ ثبت شود. وی حدود ۲۰ سال (از سال ۷۵ تا ۹۵ق) در خدمت امویان بود. ارادت فوق‌العاده‌اش به خلفای اموی سبب شده بود که به صراحت، آن‌ها را از رسول خدا ﷺ برتر بدانند. وی موفق شد بسیاری از حرکت‌های معارض حکومت اموی، همچون فتنه عبدالله بن زبیر و شورش عبدالرحمان بن اشعث را سرکوب کند. نتیجه اقدامات سخت‌گیرانه او در عراق، کشتن بیش از ۱۲۰ هزار نفر بود. هنگام مرگش، در زندان او، تعداد فراوانی زن و مرد، زندانی بودند. بسیاری از آنان لباس نداشتند یا در فصل زمستان و تابستان تنها با یک لباس در این زندان بی‌سقف به سر می‌پردند؛ وی دشمنی عجیبی با شیعیان امیر مؤمنان علی علیه السلام داشت و بر دوستی عثمان - خلیفه سوم - اصرار فراوان می‌ورزید! سرانجام حجاج پس از جنایات بسیار، در سال ۹۵ق بر اثر نفرین مظلومان، به بیماری صعب‌العلاجی مبتلا شد و در شهر واسط عراق - که خود بنا کرده بود - به هلاکت رسید و به سوی دوزخ شتافت.

## پرسش‌های نمونه

- ۱- حکومت عبدالملک بن مروان چند سال طول کشید و چه حوادثی در آن رخ داد؟ نام ببرید.
- ۲- فتنه عبدالله بن زبیر را به اختصار توضیح دهید.
- ۳- فتوحات مناطق مختلف در عصر اموی، در کدام سرزمین‌ها صورت گرفت؟ نام ببرید.
- ۴- اصلاحات عمر بن عبدالعزیز را به اختصار بیان کنید.
- ۵- دولت بنی امیه در چه سالی سقوط کرد؟ عوامل سقوط آن، چه بود؟
- ۶- از میان جریان‌های فکری عصر اموی، جریان مرجئه، جبریه و قدریه را معرفی کنید.

## اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره مفهوم «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» تحقیق کنید.
- ۲- در صفحات تاریخ، به گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای درباره خلفای اموی برمی‌خوریم. با مراجعه به منابع مربوط، پژوهشی در این باره فراهم کنید.

## امامان شیعه در عصر مروانیان

### مقدمه

دوره حاکمیت شاخه مروانی امویان، همراه بود با امامت سه تن از امامان شیعه؛ یعنی امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام. حساسیت و دشواری شرایط در این دوران، ایجاب می‌کرد که امامان شیعه با سیاستی مدبرانه، ضمن حفظ شیعیان، تصویری درست و تحریف‌ناشده از مکتب را ترسیم و به آیندگان انتقال دهند. در این درس، با نقش هدایتگرانه این سه امام بزرگوار آشنا می‌شوید.

### شکل‌گیری تدریجی جامعه شیعه

ناآگاهان، دیدگاه‌های نادرستی در این باره مطرح کرده‌اند، اما شواهد روایی و تاریخی به خوبی دلالت بر آن دارند که پیشینه تشیع به زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله باز می‌گردد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در مناسبت‌های گوناگون، ضمن به کار بردن واژه «شیعه» درباره پیروان امیرمؤمنان علی رضی الله عنه، آنان را رستگاران حقیقی معرفی کرد.<sup>۲</sup> از این رو، تعدادی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله تلاش کردند جزء شیعیان امام علی رضی الله عنه به شمار آیند که برجسته‌ترین آنان، سلمان،

تشیع در دوره مورد بحث، یعنی تا پایان عصر اموی، از رشد تدریجی و روز افزون برخوردار بوده است، و این ناشی از تلاش‌های امامان معاصر این دوره – به ویژه امام باقر و امام صادق علیهما السلام – بود. اما جای این پرسش باقی است که تشیع به عنوان یک گروه و مذهب متمایز از دیگر گروه‌ها و مذاهب، از چه زمانی پدید آمد؟ در پاسخ باید گفت: هر چند برخی از غرض‌ورزان یا

۱- اینان تلاش کرده‌اند پیدایش تشیع را به حوادثی همچون سفینه یا خلافت حضرت علی رضی الله عنه یا جنگ جمل یا جنگ صفین یا حادثه کربلا مربوط بدانند. برخی از آنان نیز کسانی همچون عبدالله بن سبا یا گرایش‌های تژادی و اعتقادی ایرانیان و یا ظهور دولت صفوی را در پیدایش تشیع دخیل دانسته‌اند.

۲- در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که پس از نزول آیه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (بیته، ۷) آن حضرت ضمن اشاره به امیرمؤمنان علی رضی الله عنه فرمود: «ای علی، تو و شیعیانت خیر البریه (بهترین مردمان) هستید»؛ بنگرید به: طبری، جامع البیان، ج ۳، ص ۱۷۱ و تفسیر فرات کوفی، ص ۵۸۳ – ۵۸۶.

آنکه حجاج بن یوسف در کوفه روی کار آمد. او با انواع شکنجه‌ها به کشتار شیعیان پرداخت و آنان را با هر سوءظن و اتهامی دستگیر می‌کرد. عرصه بر پیروان ما چنان تنگ شد و کار به جایی رسید که اگر کسی را با صفت «زندیق» یا «کافر» وصف می‌کردند برایش راحت‌تر از آن بود که او را «شیعه امیرالمؤمنین» بخوانند...<sup>۱</sup>.

سختی‌های دوره اموی موجب شد شیعیان مجبور به پنهان کردن عقاید مذهبی خود شوند، اما این مانع گسترش تشیع نشد؛ زیرا مظلومیت خاندان پیامبر ﷺ و به حق بودنشان باعث تمایل قلوب مردم به آنان می‌شد؛ به عنوان مثال، شهادت امام حسین ﷺ و یارانش سبب بروز و تظاهر شیعیان در قالب قیام‌های توأین و مختار گشت. سیر تدریجی شکل‌گیری جامعه شیعی به عنوان یک گروه متمایز از دیگر گروه‌های موجود، تا پایان قرن اول هجری ادامه یافت. در نیمه اول قرن دوم، امام باقر و امام صادق علیهما السلام توانستند با بهره‌گیری از شرایط پدید آمده، گام‌های بزرگی در گسترش و تثبیت جامعه شیعیان بردارند.

ابوذر، مقداد و عمار بودند. پس از رحلت رسول خدا ﷺ و در پی رخدادهای سیاسی و دینی، رفته رفته، شیعیان آن حضرت رو به فزونی نهادند. به ویژه، پس از آغاز دوره خلافت امام علی ﷺ، زمینه تظاهر به تشیع فراهم شد و پیروان آن حضرت، آشکارا تشیع خود را اظهار می‌کردند.

با آغاز حکومت معاویه، دوره بسیار سختی برای شیعیان آغاز شد. کوفه به عنوان مرکز سکونت شیعیان، تحت سیطره حاکمانی سنگدل همچون زیاد بن ابیه، عبیدالله بن زیاد و حجاج بن یوسف قرار گرفت. برای بی‌بردن به وضع شیعیان در این دوره، کافی است به گوشه‌ای از روایت مفصل امام باقر ﷺ در این باره توجه کنیم:

«...به دنبال تبلیغات مسموم معاویه، در همه جا به کشتار شیعیان پرداخته و با کوچکترین سوءظنی دست‌ها و پا‌های آن‌ها را می‌بریدند. کسانی که به دوستی و پیروی از ما شناخته شده بودند، راهی زندان‌ها شده، اموالشان به غارت رفت و خانه‌هاشان ویران شد. این رویه تا روزگار عبیدالله بن زیاد، روز به روز بر شدت خود می‌افزود تا

## فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما چرا دشمنان شیعه، با وجود تلاش و امکانات بسیار، موفق به محو آن نشدند؟

آن حضرت بر اساس حکمت الهی، در کربلا بیمار بود، از این رو، مجال جنگیدن و شهادت برایش فراهم نشد. مدت امامت او، حدود ۳۴ سال (۶۱ تا ۹۵ ق) طول کشید.

امام سجاد ﷺ و پاسداری از نهضت حسینی با شهادت امام حسین ﷺ، امامت به تنها فرزند باقی مانده آن حضرت، یعنی امام سجاد ﷺ انتقال یافت.

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۳-۴۴.

## امام باقر علیه السلام و نهضت علمی

امام سجاد علیه السلام در دوره حکومت ولید بن عبدالملک و به وسیله او در سال ۹۴ ق در مدینه به شهادت رسید. پس از آن حضرت، امامت به فرزندش، امام باقر علیه السلام رسید. ولادت امام باقر علیه السلام در سال ۵۷ ق، یعنی چهار سال قبل از حادثه کربلا رخ داد؛ بنابراین، آن حضرت در سن کودکی شاهد حوادث کربلا بود. از آن پس، او در مکتب و محضر پدری همچون امام سجاد علیه السلام تربیت شد و در سن ۲۸ سالگی به مقام امامت رسید. لقب معروفش «باقرالعلوم» بود و این لقب را پیشاپیش، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق او به کار برده بود.

دوره امامت امام باقر علیه السلام از سال ۹۵ تا ۱۱۴ ق یعنی چیزی قریب به ۲۰ سال به طول انجامید. در این دوره، هرچند که آن حضرت با خلفای سنگدل و بی رحمی همچون هشام بن عبدالملک اموی معاصر بود<sup>۱</sup> اما با بهره گیری از شرایط مناسبی که پدید آمد، نهضتی علمی را سامان داد. این نهضت علمی، حتی سران فکری و پیروان دیگر مذاهب را نیز تحت تأثیر قرار داد؛ به گونه ای که تعداد زیادی از شاگردان آن حضرت را اینان تشکیل می دادند. آن حضرت خطاب به سران فکری مذاهب غیر شیعی می فرمود: «به شرق و غرب عالم بروید، اما جز علم ما، علم صحیحی نمی یابید».<sup>۲</sup>

زمینه ها و شرایطی که سبب شد امام باقر علیه السلام موفق به چنین کاری شود عبارت بود از:

۱- گسترش فتوحات و توسعه قلمرو سرزمین های

این دوره با فراز و نشیب های بسیاری همراه بود. قیام کربلا به دنبال خود وقایع خونینی مثل واقعه حرّه واقم، قیام توابین و قیام مختار را به دنبال آورد. عبدالله بن زبیر در کنار خلافت اموی، در مکه برای خود، مدعی خلافت بود. حاکمان ستمگری همچون حجاج بن یوسف نیز مشغول جنایت بودند. تمامی این مسائل ایجاب می کرد تا امام به صورت مدبرانه ای، ضمن پاسداشت خون شهدای کربلا و به ثمر نشان دادن آن، از نابودی بقایای نیروهای شیعی جلوگیری کند. اصول سیاست های آن حضرت در این باره را می توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

۱- زنده نگهداشتن نام امام حسین علیه السلام و یاد نهضت حسینی، به وسیله بیان ماهیت و اهداف این نهضت و نیز گریستن بر مظلومیت شهدا و اسرای کربلا.

۲- ترویج معنویت و یاد خدا، به وسیله انجام عبادات طاقت فرسا و قرائت دعاها و مناجات های با مضامین عالی و عرفانی.

۳- نیروسازی و تربیت شاگردانی توانمند، برای نشر و ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام.

۴- تلاش برای حفظ پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، به وسیله تعلیم روش تقیه به آن ها، و جلوگیری از ورود آنان به حوادث و درگیری های بی حاصل یا کم فایده.

۵- مبارزه با جریان های فکری منحرف و عالمان درباری، به وسیله روشنگری و بیان انحرافات و مفسدات آنان.

۱- بنابر نقلی دیگر در سال ۹۵ ق.

۲- امام باقر علیه السلام در طول دوره امامت، با پنج خلیفه اموی معاصر بود: ولید بن عبدالملک (۸۶ - ۹۶)، سلیمان بن عبدالملک (۹۶ - ۹۹)، عمر بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱)، یزید بن عبدالملک (۱۰۱ - ۱۰۵) و هشام بن عبدالملک (۱۰۵ - ۱۲۵).

۳- کشی، رجال، ص ۲۰۹؛ کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۹۹.



مجموعه این شرایط و زمینه‌ها، سبب شد امام باقر علیه السلام یک سلسله اقدامات فرهنگی ترتیب دهد که عبارت بود از :

۱- بهره‌گیری از فضای مناسب پدید آمده، برای نشر احادیث نبوی.

۲- تربیت گسترده شاگردان در زمینه‌های فقهی، تفسیری، اعتقادی و تاریخی.

۳- ایجاد روابط علمی با عالمان غیر شیعی، و ترسیم تصویری با شکوه از عظمت علمی اهل بیت علیهم السلام.

۴- مبارزه با افکار انحرافی و فرقه‌های گمراهی همچون خوارج، مرجئه و غالیان از طریق مناظرات و معرفی افکار ناصواب.

اسلامی، سبب شد مسلمانان با مردم مناطق جدید ارتباط یافته و با پرسش‌های تازه‌ای مواجه شوند که به نوبه خود، موجب علاقه بیشتر به علم و دانش شد.

۲- پیدایش گروه‌ها و فرقه‌های جدید فکری با انبوهی از مسائل علمی مورد اختلاف.

۳- برداشته شدن منع تدوین حدیث توسط عمر بن عبدالعزیز.

۴- وجود فضای آرام سیاسی، پس از جنایات خونبار حجاج بن یوسف، و غلبه بنی امیه بر اوضاع.

۵- گسترش و توسعه کمی تشیع و مناطق شیعه نشین.

۶- پی بردن تدریجی دانشمندان غیر شیعی به عظمت علمی امام باقر علیه السلام.

## یک توضیح

### جابر و امام باقر علیه السلام

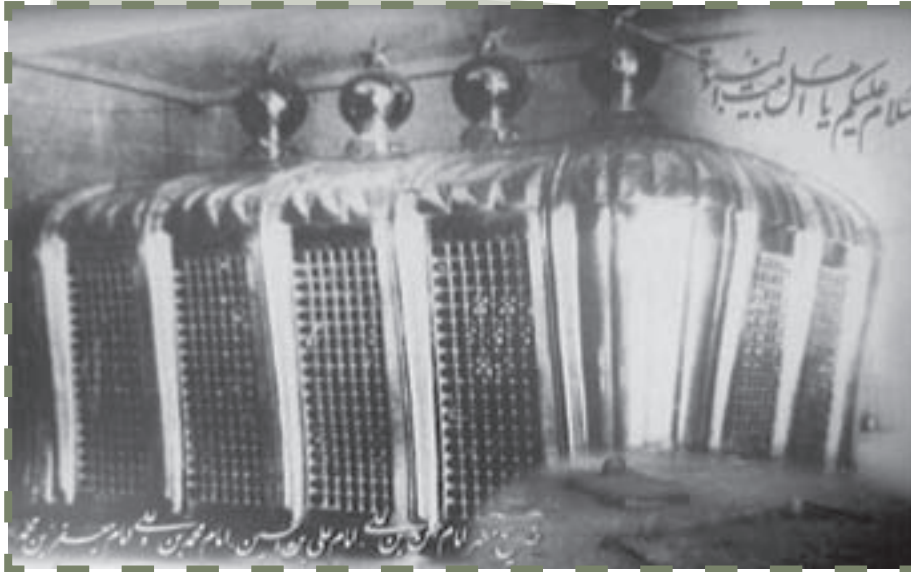
جابر بن عبدالله انصاری یکی از اصحاب برجسته رسول خدا صلی الله علیه و آله است. وی پس از نزول آیه «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹) از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره مصادیق اولی الامر پرسید. رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ، ضمن اشاره به امیر مؤمنان علی علیه السلام، او و یازده امام پس از او را با ذکر نام، به جابر معرفی فرمود. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به نام امام باقر علیه السلام رسید به جابر فرمود: «او کسی است که علوم را خواهد شکافت و تو، ای جابر، او را درک می کنی؛ هنگامی که او را دیدی، سلام مرا به او برسان.» جابر بن عبدالله انصاری تا زمان امام سجاد علیه السلام در قید حیات بود. وی در کوفه‌های مدینه حرکت می کرد و ندا می داد: یا باقر العلوم، یا باقر العلوم! و هنگامی که به امام باقر علیه السلام می رسید، با وجود سن زیادش، دست و پای حضرت را می بوسید و می گفت: «پدر و مادرم به فدایت، تو شبیه پدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله هستی، پدرت به تو سلام رساند.»<sup>۱</sup>

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۵۳؛ یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.

## امام صادق علیه السلام و تأسیس مذهب جعفری

می‌شود که چرا پیدایش مذهب تشیع، به امام جعفر صادق علیه السلام نسبت داده می‌شود؟ برای پاسخ به این پرسش، باید نگاهی به دوره امامت آن حضرت داشته باشیم.

مذهب شیعیان دوازده امامی را «مذهب جعفری» نیز می‌نامند. با توجه به آنچه پیش از این، درباره پیدایش تشیع در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتیم، این پرسش مطرح



ضریح مطهر امامان مدفون در قبرستان بقیع که در سال ۱۳۴۴ق به دستور وهابیان ویران شد.



قبر امامان مدفون در بقیع

علویان همراه بود؛ از این رو، حاکمیت، کمتر می‌توانست مزاحم فعالیت‌های امام بشود.

۳- فراهم بودن زمینه بیان روایات فراوان در محورهای مختلف فقهی، کلامی، تفسیری، تاریخی و غیر آن. همچنین، بیان حقیقت تشیع و مکتب اهل بیت در قالب بیان روایات.

۴- تربیت شاگردان بسیار (بیش از ۴۰۰۰ نفر) و گسترش گمّی و کیفی تشیع.

### شاگردان امام صادق علیه السلام

چنان‌که گفته شد، امام صادق علیه السلام موفق شد شاگردان بسیاری تربیت کند. تعداد آنان را بیش از چهار هزار نفر برشمرده‌اند که در تاریخ ائمه علیهم السلام بی‌نظیر است.

شاگردان آن حضرت، درجات متفاوتی داشتند. بعضی از آنان بسیار مستعد و توانمند بودند، به گونه‌ای که امام علیه السلام شیعیان را برای رفع مشکلات علمی و دینی به آنان ارجاع می‌داد. همچنین برخی از شاگردان آن حضرت، سران فکری مذاهب دیگر بودند. به عنوان مثال، ابوحنیفه و مالک بن انس<sup>۱</sup> افتخار شاگردی آن حضرت را پیدا کرده‌اند. بعضی از مهم‌ترین شاگردان امام صادق علیه السلام که به مراتب بالای علمی رسیدند عبارت‌اند از: زُرّارة بن أعین، محمد بن مسلم، ابوبصیر و بُرَید بن معاویه. امام صادق علیه السلام خود در وصف اینان چنین فرمود: «اگر اینها نبودند کسی نسبت به ما و احادیث ما اطلاع نمی‌یافت. اینان حافظان دین، و محل اعتماد پدرم در حلال و حرام‌اند. همان‌گونه که در دنیا به طرف ما پیشی گرفتند، در آخرت نیز به سوی ما سبقت

امام صادق علیه السلام در شرایطی به امامت رسید که پدر بزرگوارش - امام باقر علیه السلام - با بهره‌گیری درست از شرایط موجود، نهضتی علمی را راه‌اندازی کرد. اما عمر او خیلی به طول نیانجامید و پس از حدود ۲۰ سال امامت، در سال ۱۱۴ق به شهادت رسید و امامت، به فرزند برومندش امام صادق علیه السلام رسید.

امام صادق علیه السلام در طول دوره نسبتاً طولانی ۳۴ ساله امامتش، از شرایط مناسب‌تری به لحاظ فرهنگی و سیاسی برخوردار بود تا بتواند ضمن نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و ادامه راه پدر، زمینه گسترش گمّی و کیفی تشیع را فراهم کند، به گونه‌ای که میزان روایات نقل شده از آن حضرت و نیز تعداد شاگردان تربیت شده توسط او در دوره دیگر امامان نظیر ندارد. آن حضرت همچنین موفق شد در قالب روایات خود، حقیقت مذهب تشیع و نیز جایگاه اهل بیت علیهم السلام را بهتر بشناساند. از این رو، شیعیان، بقا و پویایی مذهب خود را مرهون تلاش‌های مدبرانه فرهنگی و سیاسی امام صادق علیه السلام هستند. بدین لحاظ، مذهب تشیع دوازده امامی را مذهب جعفری نیز نامیده‌اند. بنابراین، می‌توان عوامل نامیده شدن مذهب اثنی‌عشری به مذهب جعفری را به طور خلاصه چنین بیان کرد:

۱- بهره‌مندی امام صادق علیه السلام از دوره طولانی‌تری برای امامت.

۲- ادامه دادن راه امام باقر علیه السلام در بهره‌گیری از شرایط فرهنگی و سیاسی موجود، برای نشر معارف مکتب اهل بیت علیهم السلام. گفتنی است که دوره امام صادق علیه السلام به لحاظ سیاسی، با درگیری‌های امویان و عباسیان و نیز مشغول شدن حکومت به سرکوب قیام‌های متعدد

۱- امروزه اهل سنت در جهان، پیرو یکی از چهار مذهب فقهی‌اند: حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی. حنفی‌ها پیرو ابوحنیفه، و مالکی‌ها پیرو

مالک بن انس هستند.

خواهند جست»<sup>۱</sup>.

برجسته‌اش را - بسته به استعدادشان - در علوم خاصی  
به شکل تخصصی تربیت می‌کرد.

شایان ذکر آن که امام صادق علیه السلام شاگردان

## فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما، با اینکه امام صادق علیه السلام، امام شیعیان بود، چرا پیروان و حتی سران فکری و دینی دیگر مذاهب نیز  
از شاگردان او بودند؟

برضد بنی امیه، بی طرفی مدبرانه بود. این بدان معنا  
نیست که آن حضرت نسبت به تحولات جاری سیاسی  
جامعه بی اعتنا بود، اما از آنجا که هر دو جریان را باطل  
می‌دانست، با اتخاذ سیاست بی طرفی، شیعیان را از  
ورود به نزاعی که ثمری برای آنان نداشت حفظ کرد.

اما موضع آن حضرت نسبت به قیام‌های علویان،  
موضع یکسانی نبود. رهبران بعضی از این قیام‌ها، معتقد  
به امامت آن حضرت بوده و ماهیت و شعار قیامشان نیز  
باطل نبود. قیام زید بن علی بن حسین علیه السلام چنین وضعیتی  
داشت. امام صادق علیه السلام هر چند خود - به لحاظ رسالت  
عظیمی که برای حفظ و تقویت تشیع داشت - نمی‌توانست  
در این قیام مستقیماً شرکت کند، اما از عمویش - زید -  
حمایت و به نیکی یاد کرد. اما نسبت به قیام کسانی  
همچون محمد ذی‌النفس الزکیه، به علت اهداف و دعاوی  
نادرستی که داشت، همان موضع بی طرفی مدبرانه را در  
پیش گرفت.

## امام صادق علیه السلام و جریان‌های سیاسی تا عصر عباسیان

دوره امامت امام صادق علیه السلام (۱۴۸ - ۱۱۴ ق) به  
لحاظ سیاسی، دوره‌ای بسیار حساس و پرفراز و نشیب  
بود. آن حضرت تنها امامی است که دوره امویان و  
همچنین دوره عباسیان را درک کرد.<sup>۲</sup> زُخداد مهم زوال  
دولت اموی و انتقال حکومت به عباسیان، در عصر  
امامت او به وقوع پیوست. همچنین تعدادی از علویان  
به علت شرایط سخت و خفقان‌آمیز این دوره، دست به  
قیام زدند. بعضی از این قیام‌ها در عصر امویان و برخی  
نیز در عصر بنی عباس رخ داد.

از مهم‌ترین قیام‌های عصر امویان می‌توان از «قیام  
زید بن علی بن حسین علیه السلام» و قیام فرزندش - یحیی -  
نام برد. چنان که از مهم‌ترین قیام‌های علویان در عصر  
بنی عباس، می‌توان از «قیام محمد ذی‌النفس الزکیه» یاد  
کرد.

موضع امام صادق علیه السلام نسبت به قیام بنی عباس

۱- خُرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۰۳.

۲- خلفای اموی معاصر امامت آن حضرت عبارت‌اند از: هشام بن عبدالملک (۱۲۵ - ۱۰۵)، ولید بن یزید بن عبدالملک (۱۲۶ - ۱۲۵)،

یزید بن ولید بن عبدالملک (۱۲۶)، ابراهیم بن ولید بن عبدالملک (۷۰ روز از سال ۱۲۶)، مروان بن محمد، مشهور به مروان حمار (۱۳۲ - ۱۲۶).

## قیام زید بن علی بن الحسین علیه السلام

وی فرزند امام سجاد علیه السلام بود. سبب قیام او، دشمنی‌ها و ستم‌های فراوان هشام بن عبد الملک نسبت به علویان و شیعیان بود. به عنوان نمونه، در ملاقاتی که میان او و زید بن علی علیه السلام در دمشق رخ داد، او زید را بدان جهت که مادرش کنیز بود مورد شماتت قرار داد و نسبت به او، در آن مجلس اهانت روا داشت. مجموع این دشمنی‌ها سبب شد که زید پس از بازگشت از دمشق، تصمیم به قیام بگیرد. در کوفه، هزاران نفر با او بیعت کردند و سرانجام در ماه صفر سال ۱۲۲ ق قیام خود را در کوفه آغاز کرد. همان‌گونه که رسم کوفیان بود، در آغاز قیام، بسیاری پا به فرار نهادند. زید و یارانش تا شب جنگیدند، اما شب هنگام، وی بر اثر جراحات زیاد و تیری که به پیشانی‌اش اصابت کرده بود به شهادت رسید. یارانش، بدن او را مخفیانه در جوی آبی دفن کردند، اما دشمنان از محل دفن او با خبر شده و پس از بیرون آوردن جنازه‌اش، سرش را جدا کرده و بدنش را به دار کشیدند. بنابر نقل برخی مورخان، جنازه او چهار سال بر دار آویخته بود و در آغاز حکومت ولید بن یزید، آن را از دار پایین آورده، سوزانده و خاکسترش را به فرات ریختند! زید معتقد به امامت برادرزاده‌اش - امام صادق علیه السلام - بود و امام صادق علیه السلام نیز درباره زید می‌فرمود: «خدا زید را رحمت کند. مردی مؤمن و عارف و عالم و راستگو بود. او اگر پیروز می‌شد وفا می‌کرد و اگر زمام امور به دست می‌گرفت می‌دانست آن را به چه کسی بسپارد.»

### پرسش‌های نمونه

- ۱- پیدایش مذهب تشیع مربوط به چه زمانی است؟ چرا؟
- ۲- وضعیت شیعیان در دوره بنی امیه را توصیف کنید.
- ۳- امام سجاد علیه السلام از چه راه‌هایی توانست از نهضت کربلا پاسداری کند؟
- ۴- زمینه‌ها و شرایط نهضت علمی امام باقر علیه السلام را برشمارید.
- ۵- اقدامات فرهنگی امام باقر علیه السلام چه بود؟
- ۶- چرا امام صادق علیه السلام را مؤسس مذهب جعفری دانسته‌اند؟
- ۷- امام صادق علیه السلام نسبت به قیام‌های عصر خود چگونه موضعی در پیش گرفت؟

### اندیشه و جست و جو

- ۱- پس از زید، فرزندش یحیی در خراسان قیام کرد. در این باره پژوهشی تهیه و ارائه کنید.
- ۲- شخصیت علمی و اخلاقی یکی از یاران برجسته امام سجاد، باقر و صادق علیه السلام را ضمن یک پژوهش معرفی کنید.